

ادبیات جدید ایران حاصل برخورد مظاهر تجدد با جامعه سنتی ما است؛ برخوردی که موجب بحران نظام سیاسی و اقتصادی می‌شود و بر برآمدن طبقه متوسط و شکل گرفتن روشنفکران اصلاح طلب ناسیونالیست تأثیر می‌نهد. بر متن این تحولات فرهنگی و اجتماعی شکل‌های جدید ادبی، از جمله رمان و نمایشنامه‌نویسی، رشد می‌کنند.

اگر بخواهیم مؤثرترین عوامل پیدایش رمان را برشماریم باید از چاپ و ترجمه نام ببریم. با ورود چاپ، پیدایش مطبوعات و نشر کتاب میسر می‌شود و دسترسی خوانندگان کثیر به متون تازه آسان می‌شود. ادبیات از انحصار اشراف و درباریان در می‌آید و به میان مردم می‌رود. در نتیجه نثر ساده می‌شود و فرم‌های تازه ادبی به کار گرفته می‌شوند.

ترجمه که نتیجه اعزام محصل به فرنگ از دوره عباس میرزا قاجار به بعد و پدید آمدن مدارس جدید است، نقش مهمی در شکل بخشیدن به نظام جدید ادبی و معرفی فرم تازه رمان به ایرانیان دارد. نخستین مترجمان، با مقدمه‌هایی که بر ترجمه‌های خود از رمان‌های اروپایی می‌نگارند، می‌کوشند رمان را تعریف کنند و قایده و ثمر آن را برشمارند و به طور کلی رمان را به نظام ادبی ایران وارد کنند. (نگاه کنید به: پیدایش رمان فارسی، کریستف بالایی، صص ۲۳۱-۴۱)

ادبیات ایران، سیری مداوم و پیوسته را طی نکرده‌است. هر بار به دلیلی این سیر قطع شده و ادبیات

پس از گذراندن یک دوره فترت، حرکت خود را از نو آغاز کرده‌است. ادبیات هر دوره با توجه به وضع فرهنگی اجتماعی و افق معنایی پیش روی نویسندگان، حال و هوای خاص خود را دارد. حال و هوایی که، ضمن پیوستگی هر دوره به دوره قبل و بعد، هر دوره را از دورانه‌های دیگر متمایز می‌سازد. ادبیات معاصر، تألیفی یا ترجمه شده را می‌توان در چارچوب دوره‌بندی تاریخی مشخصی بررسی کرد.

نخستین مرحله از دوران مشروطیت تا ۱۳۲۰ را در بر می‌گیرد. یکی از محصلان اعزامی به فرنگ، میرزا رضا تبریزی مهندس را می‌توان از اولین مترجمان آثار غربیان به فارسی دانست. او کتابهایی تاریخی از گیبون و ولتر را با نیت به خود آوردن و به تحرک واداشتن درباریان غفلت زده، ترجمه می‌کند. اما ترجمه کتب پس از شکستهای ایران از روسیه، مرگ عباس میرزا و... به فراموشی سپرده می‌شود تا اینکه در زمان ناصرالدین شاه باردیگر احیا می‌شود. در این دوره امیرکبیر مرکزی برای ترجمه ایجاد می‌کند. با تأسیس دارالفنون نیاز به ترجمه کتابهای علمی و فنی حس می‌شود. در نتیجه پس از کتابهای تاریخی، ترجمه این گونه آثار در اولویت قرار می‌گیرد. اما به زودی ترجمه رمان‌های تاریخی به سفارش شاه و درباریان از سر گرفته می‌شود و آثار بسیاری ترجمه می‌شوند که ارزش ادبی ندارند. به طوری که مهمترین نویسنده مورد توجه مترجمان، الکساندر دوما است که محمد طاهر میرزا آثار متعددی از او را به فارسی برمی‌گرداند. اثری از ترجمه آثار نویسندگان بزرگی چون بالزاک و استانندال دیده نمی‌شود. ترجمه حاجی بابا اصفهانی / موریه / میرزا حبیب اصفهانی - اتللو مغربی / شکسپیر / ابوالقاسم ناصرالملک قراغزلو - بینوایان (تیره‌بختان) / ویکتور هوگو / یوسف اعتصام‌الملک - طیب اجباری / مولیر / اعتمادالسلطنه و تلماک / فنلون / علی خان ناظم‌العلوم را باید از نوادر ترجمه ادبی در این سالها دانست.

ترجمه در دوره حکومت رضا شاه وضع خوبی ندارد. دیکتاتوری فضای فرهنگی را با جمود و خشکی مواجه کرده‌است. نیما می‌گوید: «هنوز بعد از این همه ترجمه، من یک نتیجه مطلوب و اساسی که با موازین علمی و هنری مطابقت کند... در توده ادبیات معاصر پیدا نمی‌کنم که اسباب تجدید حس و امیدواری بوده باشد.»

هدایت و همفکرانش، در تلاش برای نوگرایی ادبی به ترجمه توجهی جدی دارند. هدایت می‌گوید: «ادبیات ایران بیش از هرچیز به ترجمه شاهکارهای ادبی قدیم و جدید نیازمند است. زیرا یکی از علت‌های بزرگ جمود و عدم تناسب رشد فکری و ادبی کنونی ما نسبت به کشورهای متمدن، نداشتن تماس با افکار و سبک‌ها و روشهای ادبی دنیای امروزی است. همانطور که امروز ناگزیریم، از لحاظ علمی و هنری و فنی از دنیای متمدن استفاده بکنیم، از لحاظ ادبی و فکری نیز راه دیگری در دسترس ما نخواهد بود و برای این منظور نیازمند به ترجمه دقیق و صحیح آثار ادبی دنیا هستیم.»

هدایت با همین نیت به ترجمه آثار نویسندگانی چون چخوف و کافکا - در سالهای ۱۳۲۰ به بعد - می‌پردازد و علوی، دوشیزه اورلنن شیلر را به فارسی برمی‌گرداند.

اما اکثر آثار ترجمه شده این دوره یا رمان‌های الکساندر دوما، جرجی زیدان و میشل ژواگو است یا داستان‌های پلیسی کنان دوئل و موریس لبلان، یا نوشته‌های رمانتیک شاتوبریان و لامارتین و... نیما می‌گوید: «در دوره‌ای که هنر و هنرمند رو به تحلیل می‌رود... و چیز قابل خواندن چاپ نمی‌شود، امثال آثار پوشکین و آنا تول فرانسه مستثنی است.»

در سال‌های پس از ۱۳۲۰ با فروریزی حکومت رضا شاه و باز شدن درها و آشنایی نویسندگان با انواع گرایش‌های اجتماعی و ادبی، نوعی ادبیات تخیلی و زیبایی شناختی متأثر از سوررئالیسم شکل می‌گیرد که عمدتاً در نوشته‌های نویسندگان مجله خروس جنگی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

حسن میرعابدینی

# سیر ترجمه داستان در ایران



بازتاب می‌یابد. مجلات پیشرو این دوره آثاری از بودلر، لوتر آمون، کافکا، ژرار دونروال، ادگار آلن پو و... ترجمه می‌کنند. اما نفوذ بیشتر و امکانات وسیع‌تر از آن کسانی است که متعهد به باورهای حزبی، به ترویج رئالیسم سوسیالیستی می‌اندیشند. آثار متعددی که از نویسندگان روس ترجمه می‌شود، باب طبع فضای یرتب و تاب جامعه است. اما آثار دیگر نویسندگان اروپایی نیز به مرور جای خود را باز می‌کند. ترجمه این آثار سبب گسترش میدان دید و جلب توجه نویسندگان ایرانی به مضمون‌ها و صناعت‌های نوین داستان‌نویسی می‌شود و به طور کلی بانمایش مهارت نویسندگان بزرگ جهان در تجسم انسان‌ها و موقعیت‌ها، به رشد داستان‌نویسی ما کمک می‌کند و با پیش رو نهادن نمونه‌های متعالی، باعث می‌شود بسیاری از بی‌هنرانی که داستان‌نویسی را آسان می‌پنداشتند، از دور خارج شوند.

هرچند سال‌های ۳۲-۱۳۲۰ دوران رونق ترجمه ادبیات مرامی است اما نخستین آشنایی‌ها با نویسندگانی مانند فاکتر و همینگوی هم مربوط به این سالهاست. ابراهیم گلستان داستانهایی به شیوه آنان می‌نویسد و آل احمد در ازرنجی که می‌بریم سبک و سیاق آنان را به خدمت بیان مضمون‌های مسلکی می‌گیرد. توجه چوبک به فرم و ساختار داستانی منسجم، ناشی از شناخت او از آثار چنین نویسندگانی است.

در سالهای پس از کودتا که روحیه شکست‌طلبی و پوچ‌اندیشی روشنفکران، و ممانعت‌های سانسور، جلو رشد رمان را می‌گیرد، گروهی از نویسندگان به ترجمه روی می‌آورند. سیمین دانشور می‌گوید: «بسیاری از ما، نویسنده‌هایی که همسن و سال من‌اند و نیز خود من، همه در اصل قربانی ترجمه شدیم، چون کارمان خریدار نداشت... همه رو به ترجمه آثار غرب بردیم، به جای این که نویسنده باشیم مترجم شدیم.» این دوره شروع عصر تنوع و فراوانی آثار ترجمه شده است. البته با رونق

ترجمه، ناشران بسیاری به چاپ ترجمه رمان روی می‌آورند و این کار را به مرور به صورت یک حرفه برای «نان درآوردن» درمی‌آورند. هرکس که مختصر اطلاعاتی از یک زبان خارجی دارد به ترجمه کتابهایی می‌پردازد که در زبان اصلی جایگاهی ندارند و سالهاست کهنه شده‌اند. ترجمه داستان‌های عامه‌پسند پلیسی - جنایی چنان مورد توجه قرار می‌گیرد که مجلات معتبری چون کتاب‌هفته نیز صفحاتی را به چاپ آثار پلیسی‌نویسان جدی‌تری چون داشیل هامت و ریموند چندلر اختصاص می‌دهند.

جز آثار نویسندگان کلاسیک روس و فرانسوی (مثل داستایوفسکی، چخوف، تولستوی، بالزاک و هوگو) خشم و هیاهوی فاکتر به ترجمه بهمن شعله‌ور و وداع با اسلحه از همینگوی به ترجمه دریابندری از چاپ در می‌آید. عبدالرحیم احمدی، کیکاوس جهانداری و عبدالرحمن صدریه اولین آثار برشت به زبان فارسی را ارائه می‌کنند.

انتشارات نیل در مجموعه «ده رمان بزرگ»، آثار سروانتس (دن کیشوت / محمدقاضی)، بالزاک (باباگوریو / به‌آذین)، رومن رولان (ژان کریستوف / به‌آذین) و استاندال (سرخ و سیاه / عبدالله توکل) و... را منتشر می‌کند.

در سال‌های ۵۷-۱۳۴۰ روند ترجمه رمان و داستان شتاب و تنوع تازه‌ای می‌یابد. در زمینه ادبیات امریکا، از آثار کلاسیک‌هایی چون اشتاین بک، همینگوی، جک لندن، و... که بگذریم با چهره‌های تازه‌ای مواجه می‌شویم: اسکات فیتز جرال (گتسبی بزرگ / کریم امامی)، ملویل (موبی دیک / پرویز داریوش)، سالیانجر (ناطور دشت / احمد کریمی) و...

علاقه کتابخوانان ایرانی به آثار نویسندگان کلاسیک روس کاستی نگرفته است؛ در حالی که آثار ادبی تبلیغی را مترجمان بنگاه روسی پروگرس، با نثری نارسا و غلط، به فارسی ترجمه می‌کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

کتابشناسی رمان و مجموعه‌های داستانی مترجم (پیش از مشروطیت تا ۱۳۷۴)

پدیدآورنده: فاطمه کنارسری

مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی / وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

تهران، ۱۳۷۷، ۲ جلد، ۱۴۶۳ صفحه

زبان فرانسه رواج گذشته را ندارد و در آموزش و تجارت جای خود را به زبان انگلیسی سپرده است. اما بالزاک، هوگو، کامو و سارتر و ژول ورن بسیار مورد توجه‌اند. از میان نویسندگان انگلیسی، کارهای دیکنز، موام و دافنه دوموریه بیشتر از بقیه ترجمه می‌شود. پرویز داریوش با سایه‌گریزان، گراهام گرین را به کتابخوانان ایرانی معرفی می‌کند. او دوبلینی‌های جویس و خیزاب‌های ویرجینیا وُلف را هم ترجمه می‌کند. آثار چهره‌های تازه‌ای مانند ئی.ام. فارستر (گذری به هند / حسن جوادی)، ویلیام گولدینگ (خداوندگار مگسها / جوان پیمان) و جوزف کنراد (دل تاریکی و جوانی / محمدعلی صفریان) نیز به بازار کتاب ایران راه می‌یابد. از نویسندگان آلمانی زبان، برشت و هانریش بل (عقاید یک دلقک / شریف لنگرانی) توجه ایرانیان را برمی‌انگیزند. اما بیشترین نام‌های تازه ادبیات ترجمه شده به ادبیات ایتالیایی و امریکایی لاتینی اختصاص دارد. بهمن محمص آثار مالاپارته، کالوینو و پاولزه را ترجمه می‌کند. آثار جینسبورگ، ویتورینی، بوتزاتی و سیلونه مضامین و فرم‌های تازه‌ای را پیش روی نئورئالیست‌های ایرانی می‌نهند. اما آثار نویسندگان امریکایی لاتین خواننده فارسی زبان را با ترکیب بدیعی از واقعیت، رویا و تاریخ آشنا می‌کند: آقای رئیس جمهور (استوریاس / زهرا خانلری)، ویرانه‌های مدور (بورخس / احمد میرعلایی)، صدسال تنهایی (مارکز / بهمن فرزانه) و انفجار در کلیسای جامع (کارپانتیه / سروش حبیبی) از بهترین آثار ترجمه شده در این دوره است.

ویژگی سالهای پس از انقلاب، تنوع و فراوانی آثار ترجمه شده است. ترجمه می‌تواند در دگرگونی انواع ادبی و نگاه نویسندگان به ادبیات و واقعیت مؤثر باشد و به قول نجف دریابندری حتی «یک دوره شکوفایی کار تألیف و نگارش هم به دنبال» بیاورد. در هر دوره، تأثیرپذیری‌ها هم به رونق آن آثار در سطح جهان

بستگی دارد و هم به وضع اجتماعی - ادبی و باورهای روشنفکری مسلط بر کتابخوان‌ها و البته تأثیرپذیری‌ها به رشد درونی داستان‌نویسی ما هم مربوط می‌شود. هرچه دانش نویسندگان از صناعت‌های ادبی بیشتر می‌شود و آنان با دقت بیشتری داستان می‌نویسند، کار نویسندگان آگاه‌تر و منضبط‌تری را مورد توجه قرار می‌دهند. مثلاً به جای تأثیرپذیرفتن از لامارتین، از فاکتز، فونتنس، کوندرا یا بورخس متأثر می‌شوند. در کنار ترجمه حجم عظیمی از آثار عامه‌پسند، آثاری هم از نویسندگان کلاسیک اروپایی و امریکایی منتشر می‌شود. فضای ادبی، فضای گوناگونی‌ها و حرکت از تقابل‌های پیشین به سوی نوعی کثرت‌گرایی ادبی است. اگر پیش از این چارچوب‌های هنر برای هنر و هنر برای مردم یا ادبیات متعهد و ادبیات فرمالیستی مطرح بود، حالا در دوران فروریزی باورها و رنگ باختن دیدگاه‌های مرامی درباره وظیفه ادبیات و مطرح شدن مکاتب و نظریه‌های تازه نقد ادبی، توجه نویسندگان معطوف به شیوه‌های گوناگون نوشتن می‌شود.

گرایش مشخص در ترجمه این دوره، ترجمه همه آثار یک نویسنده است، مثل آندره مالرو که آثارش را سیروس ذکاء، رضا سیدحسینی و ابوالحسن نجفی به فارسی برمی‌گرداندند؛ یا مارگریت دوراس که اغلب آثارش به قلم قاسم روبین و دیگران ترجمه می‌شود. از مترجمان پرکار آثار نویسندگان فرانسوی می‌توان مهدی سبحانی و فرهاد غبرایی را نام برد. کار اساسی سبحانی، ترجمه در جستجوی زمان از درست رفته مارسل پروست است و غبرایی در کنار آثار متعددی که ترجمه کرده، سفر به انتهای شب اثر فردیناند سلین را نیز به فارسی برگردانده است. آثار روزه مارتن دوگار، کلودسیمون، ژیل پرو و... از جمله دیگر آثار ترجمه شده از زبان فرانسه است. در زمینه ترجمه ادبیات امریکایی، نجف

دریابندری چهره فعالی است و آثاری از همینگوی، دکتروف و مارک تواین را به فارسی برمی‌گرداند. منوچهر بدیعی و صالح حسینی نیز از مترجمان پرکار در این زمینه‌اند.

از میان نویسندگان انگلیسی تامس هاردی چهره تازه‌ای در ایران است که ابراهیم یونسی چند اثر او را به فارسی ترجمه می‌کند. آثاری از ویلیام تکرر، هنری فسیل‌دینگ و وی. اس. نی پول نیز منتشر می‌شود. میخائیل بولگاکیف، مهم‌ترین چهره ادبیات روسی در این دوره وفور آثار روسی است.

از ادبیات ایتالیایی چند اثر جالب به فارسی منتشر می‌شود: آثاری از ناتالیا جینسبورگ، لئوناردو شیاشا، ایتالواسوو (وجدان زن) / مرتضی کلانتریان) و ایتالوکالوینو (اگر سیمی از شبهای زمستان مسافری / لیلی گلستان). اما ادبیات امریکایی لاتین از اقبال دیگری برخوردار است، تازه‌ترین آثار مارکز به شکلی عجولانه منتشر می‌شود. خوان رولفو با پدر و پارامو / احمد گلشیری به فارسی زبانان معرفی می‌شود. آثار بورخس، ماریو وارگاس یوسا (گفتگو در کاندرا / عبدالله کوثری) و فونتنس (مرگ آرتمیوکروز / مهدی سبحانی) در کنار آثاری از میلان کوندرا (کلاه کلمنتیس / احمد میرعلایی) و اسماعیل کاداره، تنوع و جلوه تازه‌ای به ترجمه ادبی می‌بخشند.

با توجه به فراوانی رمانها و مجموعه داستان‌های ترجمه شده در صد سال اخیر، از مدت‌ها پیش لزوم تدوین کتابشناسی اختصاصی این نوع آثار احساس می‌شود. و حالا خانم فاطمه کنارسری دست به کاری بلندپروازانه و قابل تحسین زده است؛ با این هدف که «کلیه رمان‌ها (مجموعه داستان‌ها) ای راکه - از روزگار مشروطیت و پیش از آن... تا پایان سال ۱۳۷۳ - از زبان‌های دیگر به فارسی ترجمه شده است معرفی کند».

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





# تابلویی برای محله

تابلویی برای محله (مجموعه داستان)

رضا عابد

قصیده، ۱۳۷۸

از عمر داستان به شکل جدید در ایران کمتر از هشتاد سال می‌گذرد. پس از جماله‌زاده نویسندگان کوشیدند تا با سبک و سیاق جدید داستان‌های کوتاه و رمان‌های بزرگی خلق کنند. اما سیر تحول داستان نویسی معاصر ایران نشان می‌دهد که در ادوار مختلف، اشکال مختلف و شیوه‌های متفاوت تجربه شده‌اند و بر همین اساس داستان‌های گوناگونی به وجود آمدند که از لحاظ نوع نگاه و زاویه دید و تفکر حاکم بر آن با هم متفاوتند.

در سالهای پس از انقلاب داستان برخلاف شعر، شکل نثری به خود گرفت و حتی آثار به یادماندنی نیز نوشته و چاپ شده است. به تازگی مجموعه داستان «تابلویی برای محله» اولین تجربه رضا عابد در عرصه داستان کوتاه وارد بازار کتاب شد.

«تابلویی برای محله» شامل ده داستان کوتاه است. کوتاهی برخی از داستان‌ها تا بدان حد است که گاه آنها را به طرح داستانی شبیه می‌کند. اما نوع نگاه عابد در این داستان‌ها نشان از موفقیت دارد. نویسنده‌ای که در اولین تجربه داستانی خود می‌کوشد تا با عبور از شکل‌های معمول و کهنه داستان نویسی، وارد حوزه جدیدی شود اگر چه راهی که نویسنده در داستان‌های کوتاه پیموده است، راهی تازه نیست، و پیش از نویسندگان دیگر با این نوع نگاه آثاری خلق کرده‌اند، اما همین که عابد کوشیده تا با شکستن توالی منطقی زمان و نزدیک شدن به جریان سیال ذهن خود نشان از نگاه تیزبینانه او در عرصه داستان نویسی دارد.

ده داستان کوتاهی که در مجموعه «تابلویی برای محله» آمده دارای ارزش یکسانی نیستند. در برخی از داستان‌ها مانند «دانش آقا ذلیل عشق و...» او می‌خواهد با گوشه چشمی به داستان «دانش آکل» صادق هدایت به زبانی دیگر این تجربه را بیان کند، اما در آواز ما، آواز تو یا تجربه‌ای غیر تکراری روبرو هستیم.

تأثیر محیط زیستی و اجتماعی در اغلب داستان‌های کوتاه عابد پیداست. منطقه شمال یا حال و هوای زیبا و دوست داشتنی هم در توصیف محیط و هم شخصیت‌ها بطور غیر مستقیم مشخص است حتی اسم‌هایی چون گل آقا یا دانش آقا نشان از محیط شمال دارد. «تابلویی برای محله» تجربه عابد در عرصه داستان کوتاه است. آنچنان که در کتاب وعده داده شد، رمانی از همین قلم به نام گیلان‌شاه آماده چاپ دارد، که آن شاه‌الله در حوزه رمان نیز چون داستان کوتاه به آوردی نو عرضه کند.

جلیل محمدقلی زاده نمایشنامه است. انتونو گرامشی، زندگی مردمی انقلابی زندگی‌نامه گرامشی است. یا سه چهره و یک جنگ / ترجمه کاوه دهگان که رمان نیست و زندگی‌نامه است.

زندگی‌نامه‌هایی که رومن رولان دربارهٔ بتهوون، تولستوی و میکال آنژ و... نوشته و طبیعتاً رمان و داستان نیست، یا زندگی‌نامه‌هایی که هارولد لمب دربارهٔ ماژلان و وایکینگها و... نوشته. برخی نمایشنامه‌های شکسپیر یا مجموعه شعرهای تاگور، یا نمایشنامه‌ها (مثل روزهای کمون / برشت / کاووسی) و... نیز به این کتابشناسی راه یافته‌اند. داستان‌های بلکین اثر پوشکین است و نه آنطور که در ص ۱۴۲ آمده اثر نویسنده‌ای به نام بلکین - البته در ص ۱۸۰ همین کتاب زیر نام پوشکین آورده شده است. نمی‌دانم برخی کتابها، مثل آموزش / ابوالعلا معری، تاج / جاحظ، و بیگانگی در باخت‌زمین / سهروردی در میان مدخل‌های این کتاب چه می‌کنند؟

فهرست مندرجات برخی مجموعه‌ها ذکر شده اما این رویه در مورد همهٔ مجموعه‌ها رعایت نشده است. مثلاً همهٔ داستانهای مجموعهٔ داستانهای نوین آلمانی با نام نویسندگانشان فهرست شده، در حالی که در همان ستون، مندرجات مصیبت نویسنده بودن نیامده است.

نمایه‌های متعدد بر امکان استفاده از کتاب افزوده، به ویژه که نام اصلی کتابهای ترجمه شده نیز آورده شده است. در نمایه ادبیات کشورها اشتباهاتی وارد شده، ازجمله: آیتاداسای / هندی است نه آلمانی، لئوناردو شیاشا ایتالیایی است نه امریکایی لاتینی، آلدوس هاکسلی انگلیسی است نه امریکایی، ارنیبرگ روس است نه اسپانیایی و...

با این همه، موارد ذکر شده از اهمیت کار انجام شده نمی‌کاهد. چنین کارهایی، با گذر زمان و دستیابی به منابع تازه، باید تصحیح و تکمیل شوند.

کتاب با دربرگیری ۶۵۴۰ عنوان، منبع ارزشمندی برای بررسی سیر تاریخی ترجمهٔ آثار یک نویسنده یا آثار نویسندگان یک کشور است. مثلاً با مراجعه به آن می‌توان دریافت ترجمهٔ آثار نویسندگان امریکایی لاتین به فارسی از چه زمانی شروع شده و چه سیری را طی کرده است. یا مترجمان پرکار و اثرگذار هر دوره چه کسانی بوده‌اند. پس این کتابشناسی هم می‌تواند مددکار محققان تاریخ ادبیات معاصر باشد و هم مترجمان را از دوباره‌کاری‌ها باز دارد.

اما به گمانم، این کتابشناسی با این تعداد مدخل نمی‌تواند شامل همهٔ آثار داستانی ترجمه شده در فاصلهٔ زمانی موردنظر باشد - به ویژه که بسیاری از مدخل‌ها تکراری است (چاپ‌های متفاوت یک اثر از یک مترجم، یا ترجمه‌های متفاوت از آن اثر). شاید بتوان این کتابشناسی را حاوی دوسوم داستانهای ترجمه شده دانست. در مروری گذرا جای برخی آثار را خالی دیدم: زمین انسانها / سنت اگزوپری / سروش حبیبی، شهرهای نامرئی / ایتالو کالوینو / ترانهٔ یلدا، بگذار سخن بگویم / دوچونگار / احمد شاملو و...

جای برخی از آثار نیز در این کتابشناسی نیست، مثل: نامه‌های تیرباران شده‌ها / لویی آراگون / م. فضلی که مجموعه‌ای از نامه‌های رزمندگان نهضت مقاومت فرانسه است با مقدمهٔ لویی آراگون. ماجرای توخاچفسکی / ویکتور الکساندرف / مهدی سمسار که دربارهٔ تصفیه‌های سیاسی دوران استالین است. دفتر یادداشت روزانهٔ یک نویسنده / داستایوسکی / ابراهیم یونسی، همینگوی / پی‌وانو / رضا قیصریه، سنگسار ناقدان / رسکین / محبوبه مهاجر، زندگی حماسی نیکلای استروفسکی / ترگاب / ناصر مؤذن، آخوندوف و صابر / جعفروف / شفایی و... که نقد و نظر ادبی است. میشل فوکو / برنز / بابک احمدی که بررسی زندگی و آرای فوکو است. کار از کار گذشت / سارتر فیلمنامه است. مرده‌ها /

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی